بسم اللہ الرحمن الرحیم

www.takbook.com

«وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنّاسِ لَعَلّهُمْ يَتَفَكّرُونَ؛

این‌ها مثال‌هایی است که برای مردم می‌زنیم، شاید در آن بیندیشید!». (حشر/۲۱)

تقدیم به:

سیدالشهدا علیه‌السلام و یاران وفادارش

www.takbook.com

نخلستان مَثَل

تمثیلات و تشبیهاتی از اهل‌بیت علیهم‌السلام

رحمت پوریزدی

www.takbook.com

سرشناسه : پوریزدی، رحمت، ۱۳۶۵-
عنوان و نام پدیدآور : نخلستان مثل: تمثیلات و تشبیهاتی از اهل‌بیت / رحمت پوریزدی.
مشخصات نشر : کرمان: مهرتا، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری : ۵۴ ص.
شابک : 978-622-9743-92-8
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
موضوع : احادیث -- تمثیل‌ها
موضوع : Hadith -- *Allegories
موضوع : چهارده معصوم -- احادیث
موضوع : Fourteen Innocents of Shiite -- Hadiths*
موضوع : ضرب‌المثل‌های فارسی -- شعر
موضوع : Proverbs, Persian -- Poetry
موضوع : ضرب‌المثل‌های فارسی -- شعر
موضوع : Proverbs, Persian -- Poetry
رده بندی کنگره : BP۱۱۲/۸
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۲
شماره کتابشناسی ملی : ۷۳۵۱۵۹۱

نخلستان مَثَل

تمثیلات و تشبیهاتی از اهل‌بیت علیهم‌السلام

رحمت پوریزدی

طراح جلد: محمد علی خانی
صفحه آرا: سید رضا حسینی
مدیر هنری و اجرایی انتشارات: محمد مهدی کاربخش راوری
قطع:رقعی/
نوبت چاپ: اول/ تابستان/۱۳۹۹
شمارگان:۱۰۰۰
ناشر: مهرتا
کرمان، بلوار کشاورز،نبش کوچه ۹، مجتمع تجاری اداری فولاد(افق)، طبقه دوم، واحد ۲۲، تلفن
۰۳۴-۳۲۱۲۵۷۹۱

کلیه حقوق محفوظ ومخصوص می باشد.

شابک: 978-622-97439-2-8
قیمت:

www.takbook.com

فهرست مطالب

دیباچه ۹
دانشمند و درخت نخل ۱۳
مؤمن و نخل ۱۴
شیعیان و زنبورعسل ۱۴
مردی که دو زن دارد ۱۵
استغفار و برگ درخت ۱۵
دین و درخت ۱۶
دنیا و لباس پاره ۱۷
مؤمن و دو دست ۱۸
فرزند ناخلف و انگشت زائد ۱۸
حریص و کرم ابریشم ۱۸
بنی‌آدم اعضای یکدیگر ۱۹
دانشمند و چراغ ۲۰

www.takbook.com

دعا و تیرانداز ۲۱
کودکی و دانش ۲۱
دانشمند و گنج ۲۳
مؤمن و عطر فروش ۲۳
هم‌نشین و عطار ۲۳
دانشمند و سنگ ۲۴
دنیا و سایه ۲۴
منافق و حنظل ۲۵
عقل و چراغ ۲۵
تک‌روی و گرگ ۲۶
انفاق و ساقه گندم ۲۶
ریا و سنگ صاف ۲۷
مردم و معدن ۲۸
زنگار قلب ۲۸
امربه‌معروف و قطره دریا ۲۹
صدقه و نمک ۳۰
تهمت و نمک ۳۰
غربال و سخن ۳۱
دارو و صابون ۳۱
دانشمند و کشتی‌شکسته ۳۲
درخت بدون میوه ۳۲
دروغ‌گو و سراب ۳۳
شرور و شمشیر ۳۳
قلب و زراعت ۳۴
برتری ماه شب چهارده بر ستاره سُهی ۳۴

www.takbook.com

عبادت و شن زار ۳۵
تخته‌سنگ و مگس ۳۵
ادب و باران ۳۶
هم‌نشین بد و باد ۳۶
هم‌نشین بد و مسافر دریا ۳۶
علم و داروی بی‌اثر ۳۷
زنده در میان مردگان ۳۹
قلب نوجوان و زمین خالی ۳۹
دنیا و آب‌شور دریا ۳۹
هم‌نشین و وصله ۴۰
مانند آفتاب و ماه ۴۰
سخن و شمشیر ۴۱
انسان و ظرف سفالی ۴۱
دارو و کشنده ۴۲
سخن و هیزم در شب ۴۳
عبادت و الاغ آسیاب ۴۳
مؤمن و آب سرد ۴۳
مؤمن و ساختمان ۴۴
مؤمن و آیینه ۴۴
مَثَل‌هایی از پارسیان ۴۷
مثل پنجه آفتاب ۴۹
مثل آبی که روی آتش بریزند ۴۹
مثل اجل مُعلَّق ۴۹
مثل اینکه پی آتش آمده ۴۹
مثل آب‌وآتش ۵۰

www.takbook.com

مثل جن و بسم‌الله ۵۰
مثل سیبی که از وسط نصف شده ۵۰
مثل شیر مادر، پاک و حلال. ۵۰
مثل قالی کرمان است؛ هر چه پا بخورد، بهتر می‌شود. ۵۰
مثل کبک سرش را زیر برف کرده! ۵۱
مثل کشتی بی لنگر می‌ماند! ۵۱
مثل ماست مختارالسلطنه است، نگاه کنی ماست است؛ بخری دوغ است؛ بخوری آب است. ۵۱
مثل مار خوش‌خط‌وخال ۵۱
مثل شیر و شکر ۵۱
مثل مرغ سرکنده ۵۱
مثل بازار شام ۵۲
مثل بازار مسگرها ۵۲
مثل بند تُنبان کوتاه است تا وِل کنی در می‌رود. ۵۲
مثل پیاز هفت پوست دارد ۵۲
مثل سرکه هفت‌ساله ۵۲
مثل سیب‌زمینی ۵۲
مثل ریگ تَه جوی است ۵۳
مثل سوزن در انباره کاه! ۵۳
در مَثَل مناقشه نیست ۵۳
کتاب‌نامه ۵۴

www.takbook.com

دیباچه

وه! چه مثال‌های بجا و پندهای رسایی وجود دارد، اگر در دل‌های پاک بنشیند و در گوش‌های شنوا جای گیرد و با اندیشه‌ای مصمم و عقل‌های باتدبیر برخورد کند.[1]

در این دفتر کوچک گلبرگی از تمثیلات و تشبیهات اهل‌بیت علیهم‌السلام را گردآوری و توضیح داده‌ایم. به امید آنکه راه تفکر و تعقل برایمان هموار شود و مسیر سبز هدایت و سعادت را به‌سادگی طی کنیم.

«رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ پروردگارا! از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی!». بقره/۱۲۷.

محرم/۱۳۹۹

ryazdi1395@gmail.com

---

۱. نهج‌البلاغه، خطبه، ۱۸۳، بند،۱۹.

www.takbook.com

www.takbook.com

تمثیلات و تشبیهات از اهل‌بیت علیهم‌السلام

www.takbook.com

www.takbook.com

دانشمند و درخت نخل

امام علی علیه‌السلام: مَثَلُ الْعَالِمِ مَثَلُ النَّخْلَةِ يُنْتَظَرُ بِهَا مَتَى يَسْقُطُ عَلَيْكَ مِنْهَا شَيء؛

مَثل دانشمند همچون درخت نخلی است که باید به انتظار بنشینی تا چیزی از آن بر تو فروافتد.[1]

بود هر کار بی استاد دشوار　　نخست استاد باید آنگهی کار[2]

اگر عالِم، خود سخنی گوید، پخته‌تر است ازآنچه در جواب سؤال تو گوید، مانند درخت میوه که اگر از آن، میوه خود فرود آید، پخته‌تر خواهد بود و اگر تو چینی، خام و پخته درهم است و درراه تحصیل علم و دانش باید صبوری نمود و نباید عجولانه استاد خود را عوض کرد.

---

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۷.

۲. دوازده هزار ضرب‌المثل فارسی، ص ۹۹۰.

www.takbook.com

مؤمن و نخل

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: مَثَلُ المؤمِن مَثَلُ النَّخلَة، ما أَخَذتَ مِنها مِن شَيءٍ نَفَعك؛ انسان باایمان همانند درخت نخل است که هر چیزی از آن برگیری مفید و سودمند است.[۱]

شباهت‌های شگفت‌انگیز نخل با انسان.

نخل در ۱۶ سالگی بالغ می‌شود و ثمر می‌دهد.

واحد شمارش نخل «نفر» است.

اصطلاح «کُشتن»، برای قطع درخت نخل به کار می‌رود.

برای قطع درخت نخل حتماً باید «سر» آن را قطع کنند.

اگر چوب درخت نخل ر ا بسوزانیم «زغال» ندارد.

اگر زیرآب رود «خفه» می‌شود.

درختی عاشق است. نخل‌ها عاشق یکدیگر می‌شود.

شیعیان و زنبورعسل

امام علی علیه‌السلام: إِنَّمَا مَثَلُ شِيعَتِنَا مَثَلُ النَّحْلِ فِي الطَّيْرِ لَيْسَ شَيءٌ مِنَ الطَّيْرِ إِلَّا وَ هُوَ يَسْتَضْعِفُهَا وَ لَوْ أَنَّ الطَّيْرَ تَعْلَمُ مَا فِي أَجْوَافِهَا مِنَ الْبَرَكَةِ لَمْ تَفْعَلْ بِهَا ذَلِكَ؛

مَثل شیعیان ما همچون زنبورعسل در میان پرندگان است، هیچ پرنده‌ای نیست مگر آن‌که او را حقیر می‌شمارد؛ اما اگر پرندگان می‌دانستند که چه برکاتی در شکم او نهفته است با او چنین رفتار نمی‌کردند.[۲]

---

۱. نهج الفصاحه، ح ۲۷۲۷.

۲. بِحارالأنوار، ج ۶۵، ص ۷۵.

www.takbook.com

عظمت و بزرگی چیزی به قد و قامت و شکل ظاهری نیست. بلکه به سود و منفعت رساندن آن است.

مردی که دو زن دارد

امام علی علیه‌السلام: إِنَّ الدُّنْيَا وَ الآخِرَةَ كَرَجُلٍ لَهُ امْرَأَتَانِ إِذَا أَرْضَى إِحْدَاهُمَا أَسْخَطَ الْأُخْرَى؛

مثل دنیا و آخرت مثل مردی است که دو زن دارد زمانی که یکی را راضی کند دیگری خشمگین می‌شود.[1]

نمی‌توانیم هم دنیا را و هم آخرت را بخواهیم. ولیکن می‌توانیم دنیا را برای آخرت بخواهیم و دنیا را وسیله و پلی قرار دهیم برای رسیدن به آخرت. نمی‌توانیم این ثروت اندک دنیا را با خود به آخرت حمل کنیم ولیکن می‌توانیم چندین برابر آن را به آخرت از پیش بفرستیم به شرطی که با آن دلی را به دست آورده، گرسنه‌ای را سیر کرده، برهنه‌ای را پوشانده، دل‌شکسته‌ای را امیدوار و شاد کرده، مدرسه‌ای را آباد کرده... پس سفره محبت، مهربانی و بخشندگی را در دنیا پهن کنیم تا در آخرت مهمان بی‌کران لطف خدای مهربان باشیم.

استغفار و برگ درخت

امام رضا علیه‌السلام: مَثَلُ الِاسْتِغْفَارِ مَثَلُ وَرَقٍ عَلَى شَجَرَةٍ تُحَرَّكُ فَيَتَنَاثَرُ؛

مَثل استغفار (و توبه به درگاه خداوند) همچون برگ روی درخت است که چون درخت تکانی می‌خورد برگ‌ها می‌ریزند و پراکنده می‌شوند.[2]

---

۱. تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح ۲۴۷۳.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۵۴.

www.takbook.com

استغفار و توبه باعث ریزش گناهان می‌شود؛ و ناگفته پیداست که استغفار چهار مرحله دارد: قلب، زبان، عمل، عدم بازگشت به گناه.

قلبم دیگر نمی‌خواهد گناه کند؛ زبانم به ذکر استغفار و یاد خدا آشنا می‌شود؛ عملم حق‌الناس را جبران می‌کند و دیگر به جاده لرزان گناه برنمی‌گردد.

این درگه ما درگه نومیدی نیست　　صدبار اگر توبه شکستی باز آ[1]

دین و درخت

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: إِنَّ مَثَلَ هَذَا الدِّينِ كَمَثَلِ شَجَرَةٍ ثَابِتَةٍ[2] الْإِيمَانُ أَصْلُهَا وَ الصَّلَاةُ عُرُوقُهَا وَ الزَّكَاةُ مَاؤُهَا وَ الصَّوْمُ سَعَفُهَا وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَرَقُهَا وَ الْكَفُّ عَنِ الْمَحَارِمِ ثَمَرُهَا فَلَا تَكْمُلُ شَجَرَةٌ إِلَّا بِالثَّمَرِ كَذَلِكَ الْإِيمَانُ لَا يَكْمُلُ إِلَّا بِالْكَفِّ عَنِ الْمَحَارِمِ؛

مثل این دین همچون مثل درخت ثابت بوده که ایمان پایه آن و نماز ریشه‌هایش و زکات آبش و روزه شاخه‌هایش و حُسن خلق برگ‌های آن و خودداری از محارم میوه‌اش می‌باشد و همان‌طوری که درخت کامل نمی‌شود مگر با میوه همان‌طور ایمان کامل نمی‌گردد مگر با نگهداری از محارم.[3]

انسان بی‌ایمان و بی‌عمل همانند درخت خشک و بی ثمره است. انسان باایمان و با عمل همانند درختان سرسبز همیشه پرطراوت و پرثمر است و همواره در حال رشد و شکوفایی است.

---

۱. ابوالخیر.

۲. در برخی نسخه‌ها «نابتة» به معنی رشد، نمو و پرورش است.

۳. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۹.

www.takbook.com

دنیا و مار زیبا

امام کاظم علیه‌السلام: إِنَّ مَثَلَ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ مَسُّهَا لَيِّنٌ وَ فِي جَوْفِهَا السَّمُّ الْقَاتِلُ يَحْذَرُهَا الرِّجَالُ ذَوُو الْعُقُولِ وَ يَهْوِي إِلَيْهَا الصِّبْيَانُ بِأَيْدِيهِم؛

مثل دنیا همچون مار است که ظاهر آن و تماس با آن نرم است ولی درون آن زهر کشنده است. مردان عاقل از آن حذر می‌کنند ولی بچه‌ها به‌سوی آن دست دراز می‌کنند.[1]

دنیا ظاهری زیبا و فریبنده و باطنی خطرناک دارد و کسانی را به خود جذب و شیفته می‌کند که همچون کودکان بی‌توجه و ناآگاه از عواقب کارند.

دنیا همه هیچ و کار دنیا همه هیچ　　ای هیچ! ز بهر هیچ‌درهیچ مپیچ[2]

دنیا و لباس پاره

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: مَثَلُ الدُّنيا وَالاخَرَهِ كَمَثَلِ ثَوبٍ شُقَّ مِن اَوَلِهِ اِلى آخِرِه فَتَعلَّقَ بِخَيطٍ مِنها فَما لَبِثَ ذَالِک الخَيطُ اَن يَنقَطِعَ؛

مثل دنیا نسبت به آخرت، همانند لباسی است که از اول تا آخرش پاره شده و به نخی آویزان شده و چیزی نمانده که آن نخ نیز قطع شود.[3]

دنیا اعتباری ندارد و قابل‌اعتماد نیست خطرات چنان انسان را احاطه کرده است که از فردای خود بی‌خبر است پس دل بستن به آن و غفلت از مرگ وزندگی پس از مرگ عاقلانه نیست.

---

۱. تُحَف العُقُول، ص ۳۹۶.

۲. جامی.

۳. کنزالعُمال، ح ۶۳۰۱.

www.takbook.com

مؤمن و دو دست

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: مَثَلُ المُومنِ وَ أخیه کَمَثَلِ الکَفین ینقّی احدهما الاخری؛

مثل مؤمن و برادرش مثل دو دست است که یکی دیگری را می‌شوید و پاک می‌کند.[۱]

هر انسان مؤمن باید تلاش کند که عیوب و اوصاف ناپسند را از برادر مؤمنش بزداید و او را پیراسته از آلودگی‌ها کند؛ و دوستان حقیقی عیب‌های یکدیگر را پاک می‌کنند

فرزند ناخلف و انگشت زائد

منسوب به امام علی علیه‌السلام: الوَلَدُ العاقِ کَالإصبعِ الزائدةِ إن تَرَکتَ شانَت وَ إن قَطَعَت آلمت؛

فرزند نافرمان همانند انگشت زیادی است که اگر آن را وانهی عیب است و اگر بریده شود سبب درد می‌شود.[۲]

انسان اگر فرزند ناشایست خود را از خود دور کند مایه غم و غصه است و اگر به حال خودش رها کند مایه آبروریزی و خجالت است.

زنانِ باردار ای مرد هشیار — اگر وقت ولادت مار زایند

از آن بهتر به نزدیک خردمند — که فرزندان ناهموار زایند[۳]

حریص و کرم ابریشم

امام باقر علیه‌السلام: مَثَلُ الْحَرِیصِ عَلَی الدُّنْیَا کَمَثَلِ دُودَةِ الْقَزِّ کُلَّمَا ازْدَادَتْ عَلَی نَفْسِهَا لَفّاً کَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّی تَمُوتَ غَمّاً؛

---

۱. نهج الفصاحه، ح ۲۷۲۴.

۲. شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ح ۴۲۷.

۳. سعدی.

www.takbook.com

حریص بر دنیا همچون کرم ابریشم است که هر چه بیشتر بر اطراف خود تا ر می‌تند او را از بیرون آمدن بازمی‌دارد تا این‌که از غصه بمیرد.[۱]

طمع را سه حرف بی نُقَط ایجاد کردند　　نُقَط را شرم می‌آید که برگِرد طمع گردد[۲]

برخی بنی‌بشرِ حریص گمان می‌کنند که تمام گره‌های دنیا با دندان‌تیز حرص به مال باز می‌شود. حال‌آنکه سخت در گِل مانده‌اند؛ چراکه هر چه بیشتر به دنبال آن باشند گره‌های زندگی بیشتر و محکم‌ترمی گردد و در این باتلاق بی‌پایان فرو می‌رود. پایانی برای این حریص نیست جز مرگ و تنهایی قبر.

بنی‌آدم اعضای یکدیگر

امام باقر علیه‌السلام: الْمُؤْمِنُونَ فِي تَبَارِّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ كَمِثْلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى تَدَاعَى لَهُ سَائِرُهُ بِالسَّهَرِ وَ الْحُمَّى؛

مثل مؤمنین در دوستی و رحمت و عطوفت ورزیدن به یکدیگر، همانند یك پیکر است هنگامی‌که عضوی از آن به درد آید سایر اعضا با بیداری و تب با آن‌هم ناله می‌شوند.[۳]

بنی‌آدم اعضای یکدیگر　　که در آفرینش ز یک گوهرند

چه عضوی بدرد آورد روزگار　　دگر عضوها را نماند قرار[٤]

---

۱. همان، ج ۲، ص ۱۳۴.

۲. لا ادری.

۳. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۳۴.

٤. سعدی.

www.takbook.com

دانشمند و چراغ

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: مَثَلُ الَّذِي يَعْلَمُ الْخَيْرَ وَ لَا يَعْمَلُ بِهِ مَثَلُ السِّرَاجِ يُضِيءُ لِلنَّاسِ وَ يُحْرِقُ نَفْسَه؛ دانشمند بی‌عمل همانند چراغی است که به دیگران نور می‌افشاند و خود را می‌سوزاند.[۱]

علم‌داری و عمل نه دان که خری　　بارِ گوهر بری و کاه خوری[۲]

علم به ما روشنایی و توانایی می‌بخشد و ایمان عشق و امید.

علم ابزار می‌سازد و ایمان مقصد.

علم سرعت می‌دهد و ایمان جهت.

علم توانستن است و ایمان خوب خواستن.

علم می‌نماید که چه هست و ایمان الهام می‌بخشد که چه باید کرد.

علم انقلاب بیرون است و ایمان انقلاب درون.

علم جهان را جهان آدمی می‌کند و ایمان روان را روان آدمی می‌سازد.

علم وجود انسان را به‌صورت افقی گسترش می‌دهد و ایمان به شکل عمودی بالا می‌برد.

علم طبیعت ساز است و ایمان انسان‌ساز.

علم به انسان نیروی منفصل می‌دهد و ایمان نیروی متصل.

علم زیبایی عقل است و ایمان زیبایی روح.

علم امنیت بیرونی می‌دهد و ایمان امنیت درونی.

علم جهان را با انسان سازگار می‌کند و ایمان انسان را با خودش.

علم ضامن شناخت بهتر تکوین است و ایمان ضامن آگاهی عمیق از تشریع است.

---

۱. مجموعه ورام، ج ۲، ص ۲۱۴.

۲. سنائی.

www.takbook.com

علم از هست ها در قلمرو محسوسات سخن می‌گوید و ایمان از هست ها در قلمرو کل هستی.

علم از بودها گفتگو می‌کند و دین از بایدها.[۱]

دعا و تیرانداز

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: مَثَلُ الَّذِي يَدْعُو بِغَيْرِ عَمَلٍ كَمَثَلِ الَّذِي يَرْمِي بِغَيْرِ قَوْسٍ؛

مثل آن‌کسی که دعا می‌کند ولی درراه رسیدن به خواسته‌اش تلاش نمی‌کند مثل کسی است که از کمان بدون زه تیراندازی کند.[۲]

انسان‌های موفق اهل عمل و امید و دعا هستند ولیکن انسان‌های تنبل و بی‌اراده تنها دست به دعا دارند و اهل تلاش و همت و پشتکار نیستند. به‌قول‌معروف از تو حرکت از خدابرکت.

نیک وردی را تو از برکرده‌ای　　لیک، سوراخ دعا گم‌کرده‌ای[۳]

کودکی و دانش

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ الْعِلْمَ فِي صِغَرِهِ كَالنَّقْشِ عَلَى الْحَجَرِ وَ مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ الْعِلْمَ فِي كِبَرِهِ كَالَّذِي يَكْتُبُ عَلَى الْمَاءِ؛

مثل کسی که در کودکی علم فراگیرد، چون نقش بر روی سنگ باشد و کسی که در بزرگی دانش آموزد همچون نوشتن بر آب باشد[٤]

---

۱. شهید مطهری، انسان و ایمان، ص ۳۰.

۲. تُحف العقول، ص ۱۱.

۳. شیخ بهائی.

٤. مُنیه المرید، ص ۲۲۵.

www.takbook.com

هر کس در سنین پایین‌تر به تحصیل علم و دانش تلاش کنند این دانش برای او ماندگارتر است. ولکن دانش آموختن در سن بزرگی به‌سرعت از حافظه پاک می‌شود و ماندگاری زیادی ندارد.

درخت تو گر بار دانش بگیرد　　به زیر آوری چرخ نیلوفری را[1]

اهل‌بیت علیهم‌السلام و کشتی نوح

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: مَثَلُ اَهلِ بَیتی کَمَثلِ سفینةِ نوحٍ مَن رَکِبها نجا وَ مَن تَخَلّفَ عنها غَرِق؛ مثل اهل‌بیت من همانند کشتی نوح است، هر کس بر آن سوار شود نجات یابد و هر که تخلف ورزد غرق گردد.[2]

هر کس همراه اهل‌بیت علیهم‌السلام باشد نجات‌یافته است و هر کس از دستورات آن‌ها سرپیچی کند هلاک می‌شود. ناگفته پیداست که تنها عشق و علاقه به اهل‌بیت علیهم‌السلام کافی نیست بلکه این پیوند و علاقه باید در گفتار و رفتار نمایان شود.

در این زمینه امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: کسی که در زبان و سخن ادعای پیروی از ما را نماید و در عمل، با اعمال و آثار ما مخالفت ورزد از شیعیان ما نیست. شیعه ماکسی است که در زبان و قلب و عمل از ما پیروی کند.[3]

---

۱. ناصرخسرو.

۲. کنزالعمال، ح ۳۴۱۵۱.

۳. امام صادق علیه‌السلام: لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ قَالَ بِلِسَانِهِ وَ خَالَفَنَا فِي أَعْمَالِنَا وَ آثَارِنَا وَ لَكِنْ شِيعَتُنَا مَنْ وَافَقَنَا بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ اتَّبَعَ آثَارَنَا وَ عَمِلَ بِأَعْمَالِنَا أُولَئِكَ شِيعَتُنَا. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۴۷.

www.takbook.com

دانشمند و گنج

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: مَثَلُ الّذي يَتَعلّمُ العلمَ ثُمّ لا يُحَدِّثُ به كَمَثل الّذي يَكنِزُ الكنزَ فلا يُنفِقُ منه؛

حکایت کسی که علم آموزد و از آن سخن نکند چون کسی است که گنجی نهد و از آن خرج نکند.[۱]

زکات دانش نشر آن است و اگر فردی دانش را آموخت و آن را آموزش و نشر نداد مانند کسی که گنجی را پنهان کرده و از آن بهره نمی‌برد.

عالم آن‌کس بوَد که بد نکند　　نه بگوید به خلق و خود نکند[۲]

مؤمن و عطر فروش

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: مَثَلُ المؤمنِ كَمَثَلِ العطّارِ إن جالَستَه نَفَعَك وَ إن مَشَيتَه نَفَعَك و إن شاركتَه نَفَعَك؛

حکایت مؤمن چون عطر فروش است اگر با او نشینی سودت دهد اگر با او همراه شوی سودت دهد و اگر با او مشارکت کنی سودت دهد.[۳]

رفاقت و دوستی با چنین دوستانی است که آدمی را به نوک قله موفقیت و سعادت می‌رساند. چراکه تمام وجودش خیروبرکت است.

هم‌نشین و عطار

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: مَثَلُ الجَليسِ الصّالحِ مَثَلُ الدّاريّ إن لم يَجِدك مِن عِطرِه عَلَقَك مِن ريحِهِ؛

---

۱. نهج الفصاحه، ح ۲۷۲۳.

۲. سعدی.

۳. همان، ح ۲۷۲۶.

www.takbook.com

حکایت هم‌نشین خوب مثل عطار است که اگر از عطر خویش به تو ندهد بوی خوش آن در تو آویزد.[۱]

چه بخواهی یا نخواهی کمال هم‌نشین در تو اثر می‌گذارد. هرچند او چیزی نگوید ولکن عمل و رفتار او را می‌بینی و می‌آموزی.

دانشمند و سنگ

حضرت عیسی علیه‌السلام: مَثَلُ عُلَمَاءِ السَّوْءِ مَثَلُ صَخْرَةٍ وَقَعَتْ عَلَى فَمِ النَّهَرِ لَا هِيَ تَشْرَبُ الْمَاءَ وَ لَا هِيَ تَتْرُكُ الْمَاءَ يَخْلُصُ إِلَى الزَّرْعِ؛

مَثَل دانشمندان ناشایسته مَثَل سنگ بزرگی است که بردهانه رود قرار می‌گیرد که نه خود آب می‌آشامد و نه مجال می‌دهد تا آب به کشتزار برسد.[۲]

شایسته است به خود نگاه کنیم تا براثر غفلت تبدیل به چنین سنگ وحشتناکی نشویم. چراکه هم خویش را از راه و رسم صحیح زندگی محروم می‌کنیم و هم دیگران را از زندگی و حیات حقیقی بی‌بهره می‌کنیم.

دنیا و سایه

امام علی علیه‌السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا كَظِلِّكَ إِنْ وَقَفْتَ وَقَفَ وَ إِنْ طَلَبْتَهُ بَعُدَ؛

مثال دنیا مانند سایه توست، اگر بایستی می‌ایستد و اگر دنبالش کنی دور می‌شود.[۳]

---

۱. نهج الفصاحه، ح ۲۷۱۰.

۲. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۸۴.

۳. عیون الحکم و المواعظ، ح ۹۰۲۰.

www.takbook.com

انسان هر چه دنبال خواسته‌های دنیایی خود برود اولاً: تمام‌شدنی نیست و ثانیاً: به تمام آن‌ها نمی‌رسد و ثالثاً: رسیدن به آن‌ها سخت‌تر می‌شود و آن‌ها از او دورتر می‌شوند.

منافق و حنظل

امام علی علیه‌السلام: مَثَلُ الْمُنَافِقِ كَالْحَنْظَلَةِ الْخَضِرَةِ أَوْرَاقُهَا الْمُرٌّ مَذَاقُهَا؛

مثل منافق مانند میوه حنظل است که‌برگ‌های آن سبز است و طعمش تلخ.[۱]

منافق ظاهرش به‌گونه‌ای و باطنش به گونه دیگر است مانند هندوانه ابوجهل است؛ که ظاهرش سبز ولی مزه‌اش تلخ است.

ای‌بسا ریشِ سفید و دل چو قیر　　ای‌بسا ریشِ سیاه و دل مُنیر[۲]

عقل و چراغ

امام علی علیه‌السلام: مَثَلُ الْعَقْلِ فِي الْقَلْبِ كَمَثَلِ السِّرَاجِ فِي وَسَطِ الْبَيْت؛

مثل عقل و خرد در قلب همانند چراغ در میان خانه است.[۳]

چراغ در وسط خانه همه جای خانه را روشن می‌کند ولی اگر در گوشه‌ای از خانه باشد بعضی از قسمت‌های آن را کاملاً روشن نمی‌کند. استفاده از عقل در هر مسئله موجب می‌شود که انسان همه جوانب و اطراف آن مسئله را به‌طور روشن موردبررسی قرار دهد.

---

۱. تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح ۱۰۴۸۱.

۲. مولوی.

۳. بِحارالأنوار، ج ۱، ص ۹۹.

www.takbook.com

تک‌روی و گرگ

امام علی علیه‌السلام: إيّاكُم وَ الفُرقَةَ فَإنَّ الشّاذَّ عَن أهلِ الحَقِّ لِلشَّيطانِ كَما أنَّ الشَّاذَّ مِنَ الغَنَمِ لِلذِّئبِ؛

حذر می‌دهم شمارا از جدا شدن (و تک‌روی)، پس همانا شخص جداشده از اهل حق نصیب شیطان است همچنان که گوسفند جداشده (از گله) نصیب گرگ می‌شود.[۱]

اجتماع مؤمنان زمینه‌ساز همفکری و همدلی آنان و قوت قلب ایمان آن‌هاست. مراقبت از یکدیگر و تواصی به‌خوبی ها و ترک بدی‌ها در این اجتماعات شکل می‌گیرد کسی که تک‌روی کند و خود را از این اجتماع و فوائد آن محروم نماید زمینه نفوذ شیطان در خود را هموار کرده است.

انفاق و ساقه گندم

قرآن کریم: مَثَلُ الَّذينَ يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ في سَبيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنابِلَ في كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَ اللَّهُ يُضاعِفُ لِمَنْ يَشاءُ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَليمٌ؛

مثل آنان که مالشان را درراه خدا انفاق می‌کنند به‌مانند دانه‌ای است که از آن هفت خوشه بروید و در هر خوشه صد دانه باشد و خداوند از این مقدار نیز برای هر که خواهد بیفزاید و خدا را رحمت بی‌منتهاست و (به همه‌چیز) داناست.[۲]

در دفتر حساب‌وکتاب الهی، شمارش پاداش انفاق را کسی جز خالق بشر نمی‌داند. اوست که روزی می‌دهد و اوست که دوست دارد به انفاق کننده چنین لطفی کند. اوست که کاهی را کوهی می‌بخشد؛ و دریای رحمت و مهربانی او بی‌پایان و بی‌نهایت است.

---

۱. غررالحکم، ح ۲۷۴۷.

۲. بقره/۲۶۱.

www.takbook.com

جوانمرد و خُوش‌خُوی و بخشنده باش　　چو حق بر تو پاشد تو بر خلق پاش[۱]

ریا و سنگ صاف

قرآن کریم: یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تُبْطِلُوا صَدَقاتِکُمْ بِالْمَنِّ وَ الْأَذی کَالَّذي یُنْفِقُ مالَهُ رِئاءَ النَّاسِ وَ لا یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الآخِرِ فَمَثَلُهُ کَمَثَلِ صَفْوانٍ عَلَیْهِ تُرابٌ فَأَصابَهُ وابِلٌ فَتَرَکَهُ صَلْداً لا یَقْدِرُونَ عَلی شَيءٍ مِمَّا کَسَبُوا وَ اللَّهُ لا یَهْدِي الْقَوْمَ الْکافِرین؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بخشش‌های خود را با منت و آزار، باطل نسازید! همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می‌کند؛ و به خدا و روز رستاخیز، ایمان نمی‌آورد؛ (کار او) همچون قطعه‌سنگی است که بر آن، (قشر نازکی از) خاک باشد؛ (و بذرهایی در آن افشانده شود؛) و رگبار باران به آن برسد، (و همه خاک‌ها و بذرها را بشوید،) و آن را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند. آن‌ها از کاری که انجام داده‌اند، چیزی به دست نمی‌آورند؛ و خداوند، جمعیت کافران را هدایت نمی‌کند.[۲]

هر کس و هر چیز را در کنار خدا قرار دادن، توهین به مقام الهی است. اگر کسی به شما بگوید: من شما و سنگ را دوست دارم، این توهین به شماست. اگر بگوید: از غذایی که تهیه‌کرده‌ام، هم شما بخورید و هم گربه‌ام می‌خورد، توهین است.

یک روز تمام مسافران هواپیما را پیاده و باری را که بسته‌شده بود تخلیه کردند و گفتند: یک موش در هواپیما دیده‌شده است. پرسیدیم: این‌همه مسافر و بار به خاطر یک موش باید پیاده شود؟ گفتند: بله زیرا ممکن است این موش یکی از سیم‌ها را بجُود و رابطه خلبان با فرودگاه قطع شود؛

---

۱. سعدی.

۲. بقره/۲۶۴.

www.takbook.com

و موجب سقوط هواپیما شود. آری موش شرک، سیم اخلاص را می‌جود و رابطه بنده با خالق را قطع می‌کند.[۱]

مردم و معدن

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ؛

انسان‌ها معادنی هستند مانند معادن طلا و نقره.[۲]

حقیقت انسان، حقیقتی است باارزش و ناشناخته که باید همچون معدن استخراج شود و تفاوت میان انسان‌ها مانند تفاوت طلا و نقره است که در عین دوگانگی هر یک ارزشی مخصوص به خوددارند.

همه‌کس به یک خوی و یک خاست نیست　　ده انگشت با یکدِگر راست نیست[۳]

زنگار قلب

رسول خدا علیه‌السلام: إِنَّ لِلْقُلُوبِ صَدَأً كَصَدَإِ النُّحَاسِ فَاجْلُوهَا بِالاسْتِغْفَارِ وَ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ؛

همانا قلب‌ها زنگار می‌گیرند؛ همانند زنگار گرفتن آهن؛ پس آن‌ها را با استغفار و تلاوت قرآن جلا دهید.[٤]

گاهی دلم به رحم نمی‌آید، گاهی نمی‌توانم ببخشم و بگذرم، گاهی تنبلم و شاد نیستم، گاهی نمی‌خواهم خوب باشم... این‌ها برای اینکه قلب من زنگ‌زده دیگر صاف نیست تا صدای دل‌نشین

---

۱. تمثیلات، قرائتی، ص ۴۰.

۲. همان، ج ۵۸، ص ۶۸.

۳. اسدی.

٤. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۷۲.

www.takbook.com

و گوش نوازش را بشنوم. تنها جسم و وسائل خانه و ماشین که نیست نیاز به تمیزی و گَردگیری داشته باشد. بلکه روح و جان انسان نیز نیاز به پاکیزگی و تمیز شدن دارد.

امربه‌معروف و قطره دریا

امام علی علیه‌السلام: مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنْ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنَفْثَةٍ فِي بَحْرٍ لُجِّي؛ تمام‌کارهای نیک و جهاد درراه خدا در برابر امربه‌معروف و نهی از منکر، چونان قطره‌ای در برابر دریای مواج و پهناور است.[1]

امر به نیکی و نهی از بدی، شامل هر چیز خوب و نیک و هر چیز شر و بد می‌شود. از مصادیق امربه‌معروف: ورزش کردن، تغذیه سالم، خوب صحبت کردن، مدارا کردن، اهل گذشت بودن، سلام کردن، نیکی به پدر و مادر، احترام به بزرگ‌ترها، حجاب و... و هزاران کار نیک دیگر. از مصادیق نهی از منکر: بازداشتن از غیبت، تهمت، سوءظن، بداخلاقی، ربا، ... و هر هزار کار بد دیگر.

گاهی گردوغبار روی لباس شما می‌نشیند و گاهی دوده. غبار با ضربه‌ی محکمی که بر لباس می‌زنید برطرف می‌شود اما اگر همین ضربه را به دوده بزنید، هم‌دستتان سیاه می‌شود وهم دوده به لباس فرو می‌رود، برطرف کردن دوده با فوت است و برطرف غبار با ضربه، پس هر منکری را باید به‌گونه‌ای خاص برطرف کرد.[2]

---

۱. نهج‌البلاغه، ح ۳۸۰.

۲. تمثیلات، قرائتی، ص ۳۴.

www.takbook.com

صدقه و نمک

امام صادق علیه‌السلام: إِنَّ صَدَقَةَ النَّهَارِ تَمِيثُ الْخَطِيئَةَ كَمَا يَمِيثُ الْمَاءُ الْمِلْحَ وَ إِنَّ صَدَقَةَ اللَّيْلِ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ جَلَّ جَلَالُهُ؛

همانا صدقه ی روز، گناه را ذوب می‌کند همچنان که آب، نمک را ذوب می‌کند و همانا صدقه شب (آتش) غضب پروردگار را فرومی‌نشاند.[۱]

از مصادیق صدقه: انفاق، لبخند زدن به روی مؤمن، پدر، مادر و همسر است، دل‌شاد کردن، گره از کار دیگران باز کردن، سلام کردن، سخن نیک گفتن، کمک و یاری به مظلوم و ناتوان، آموزش علم و دانش، پرداخت زکات واجب و...

بنوش و بپوش و ببخش و بده — برای دگر روز، چیزی بنه[۲]

***

زان دو نیم است دانه‌ی گندم — که یکی خودخوری یکی مردم[۳]

تهمت و نمک

امام صادق علیه‌السلام: إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ انْمَاثَ الْإِيمَانُ مِنْ قَلْبِهِ كَمَا يَنْمَاثُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ؛

هرگاه مؤمن به برادر خود تهمت زند، ایمان در قلب او ذوب می‌شود همانند ذوب شدن نمک در آب.[٤]

---

۱. امالی (صدوق)، ص ۳۶۷.

۲. سعدی.

۳. مکتبی.

٤. همان، ج ۲، ص ۳۶۱.

www.takbook.com

تنها به دست آوردن ایمان، مهم و کافی نیست بلکه مؤمن واقعی کسی است که آن را نگه دارد.

غربال و سخن

امام کاظم علیه‌السلام: لَا تَكُونُوا كَالْمُنْخُلِ يُخْرِجُ مِنْهُ الدَّقِيقَ الطَّيِّبَ وَ يُمْسِكُ النُّخَالَةَ كَذَلِكَ أَنْتُمْ تُخْرِجُونَ الْحِكْمَةَ مِنْ أَفْوَاهِكُمْ وَ يَبْقَى الْغِلُّ فِي صُدُورِكُم؛

مانند غربال نباشید که آرد خوب را بیرون می‌دهد و نخاله (سبوس) را نگه می‌دارد. بدین‌سان شما نیز از دهانتان حکمت بیرون شود و کینه و ناخالصی در دل‌هایتان به‌جا ماند.[۱]

بعضی از انسان‌ها زبانشان حکمت دارد و دیگران استفاده می‌کنند و هدایت می‌شود ولی در دل‌هایشان از آن حکمت خبری نیست؛ و خودشان به گفتارشان عمل نمی‌کنند و رذایل اخلاقی را برای دیگران بیان می‌کنند ولی خودشان به آن مبتلا هستند. دیگران را از کینه بر حذر می‌دارند ولکن خود در دل، کینه انباشته‌اند.

بس سر که فُتاده زبان است　　بایک نقطه، زبان زیان است[۲]

***

مَزَن بی تامل به گفتار دَم　　نِکو گو، اگر دیر گویی چه غم[۳]

دارو و صابون

منسوب به امام علی علیه‌السلام: شُربُ الدَواءِ لِلجَسَدِ کالصابونِ لِلثوبِ یُنَقیه وَ لکن یُخلِقُه ؛

---

۱. تُحَف العُقُول، ص ۵۱۰.

۲. ایرج میرزا.

۳. سعدی.

www.takbook.com

خوردن دارو در بدن اثر سوء می‌گذارد همانند صابون در جامه که چرک را می‌زداید ولی آن را به فرسودگی می‌کشاند.[۱]

گاهی دارو برای سلامتی بدن نیاز می‌شود ولکن مصرف زیادی آن نیز آسیب‌زا است؛ و ممکن است بر دیگر اعضا تأثیر منفی بگذارد.

دانشمند و کشتی‌شکسته

امام علی علیه‌السلام: زَلَّةُ الْعَالِمِ كَانْكِسَارِ السَّفِينَةِ تَغْرَقُ وَ تُغْرِق؛

گمراهی دانشمندان همچون شکستن کشتی است که هم خود غرق می‌شود و هم باعث غرق دیگران است.[۲]

شایسته است همواره شخص دانشمند با دو بال علم و تقوا پرواز کند. علم بدون عمل و تقوا باعث نابودی خود و دیگران است.

درخت بدون میوه

امام علی علیه‌السلام: عِلْمٌ بِلَا عَمَلٍ كَشَجَرٍ بِلَا ثَمَر؛

علم بدون عمل همچون درخت بدون میوه است.[۳]

اگر کسی علم دارد ولی بهره‌ای از علم خود نمی‌برد و این علم را جامه‌ی عمل نمی‌پوشاند مانند درختی است بدون ثمر؛ زیرا علم به تنهائی نجات‌بخش نیست بلکه عمل آن انسان را نجات

---

۱. همان، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ح ۴۲۲.

۲. بِحارالأنوار، ج ۲، ص ۵۸.

۳. تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح ۲۸۱۸.

www.takbook.com

می‌دهد. بهترین قوانین اگر اجرا نشود ارزشی ندارد. بهترین نسخه اگر توسط مریض به کار گرفته نشود شفابخش نیست.

دروغ‌گو و سراب

امام سجاد علیه‌السلام: إِيَّاكَ وَ مُصَاحَبَةَ الْكَذَّابِ فَإِنَّهُ بِمَنْزِلَةِ السَّرَابِ يُقَرِّبُ لَكَ الْبَعِيدَ وَ يُبَاعِدُ لَكَ الْقَرِيب؛

از مصاحبت و هم‌نشینی با دروغ‌گو بپرهیز چراکه او همچون سراب است که دور را برایت نزدیک و نزدیک را برایت دور جلوه می‌دهد.[۱]

شخص دروغ‌گو آن‌چنان شیرین‌زبانی و با کلمات بازی می‌کند که انسان گمان می‌کند حقیقت را بیان می‌کند و آن‌چنان جذاب صحبت می‌کند که دور را نزدیک و نزدیک را دور جلوه می‌دهد. همانند سراب که هیچی و پوچی را نشان می‌دهد.

با ما کج و با خود کج و با خلق خدا کج　　آخر قدمی راست بیا، ای همه‌جا کج[۲]

شرور و شمشیر

امام علی علیه‌السلام: إِيَّاكَ وَ مُصَاحَبَةَ الشَّرِيرِ، فَإِنَّهُ كَالسَّيْفِ الْمَسْلُولِ، يَحْسُنُ مَنْظَرُهُ وَ يَقْبُحُ أَثَرُهُ؛

از مصاحبت و هم‌نشینی با انسان شرور بپرهیز، زیرا او همچون شمشیر برهنه (شمشیری که از غلاف کشیده شده است) است که ظاهرش زیباست ولی نتیجه‌ای شوم به دنبال دارد.[۳]

---

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۷۶.

۲. امثال‌وحکم دهخدا، ج ۱، ص ۳۶۹.

۳. بِحارالأنوار، ج ۷۱، ص ۱۹۸.

www.takbook.com

همیشه نباید نگاه ما به‌ظاهر اشیاء و افراد محدود شود و چه‌بسا اموری که ظاهری زیبا دارند ولی در باطن شری را به دنبال دارند. خداوند قرآن کریم می‌فرماید: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتالُ وَ هُوَ كُرْهٌ لَكُمْ وَ عَسى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ عَسى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لا تَعْلَمُون». بقره/۲۱۶.

قلب و زراعت

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: لَا تُمِيتُوا الْقُلُوبَ بِكَثْرَةِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ فَإِنَّ الْقُلُوبَ تَمُوتُ كَالزُّرُوعِ إِذَا كَثُرَ عَلَيْهِ الْمَاء؛

دل‌ها را با خوردن و نوشیدن زیاد نمیرانید همانا دل‌ها می‌میرند همچون زراعتی که آب بر آن زیاد شود.[۱]

نه‌چندان بخور، کز دهانت بر آید　　نه چندان که از ضعف، جانت برآید[۲]

خدا را شکرت که حس سیری را به ما عنایت کردی و معده‌ای کوچک به بنی‌بشر دادی و الا معلوم نبود سرنوشت ما چگونه بود.

ندارند تن پروران آگهی　　که پُر معده باشد ز حکمت تُهی[۳]

برتری ماه شب چهارده بر ستاره سُهی

امام علی علیه‌السلام: فَضلُ العاقِلِ عَلَى الجاهِلِ كَفَضلِ البَدرِ عَلَى السُّهى؛

---

۱. مکارم الاخلاق، ص ۱۵۰.

۲. سعدی.

۳. سعدی.

www.takbook.com

برتری شخص خردمند بر شخص بی‌خرد همچون برتری ماه شب چهارده است بر ستاره سُهی.[۱]

ستاره سُهی یکی از کم‌نورترین ستاره‌هاست که در مجموعه ستارگان دُب اکبر واقع‌شده است.

عبادت و شن زار

رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله: الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ؛

عبادت همراه با حرام‌خواری همچون ساختمانی بر زمین شنزار است.[۲]

پایه عبادت، لقمه حلال است. عبادت با لقمه حرام همچون خانه‌ای که از پای‌بست ویران است.

تخته‌سنگ و مگس

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ صَخْرَةٌ يَخَافُ أَنْ تَقَعَ عَلَيْهِ وَ إِنَّ الْكَافِرَ يَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ ذُبَابٌ مَرَّ عَلَى أَنْفِهِ؛

همانا مؤمن گناه خود را همچون تخته‌سنگ بزرگی می‌بیند که می‌ترسد به روی او بیفتد و کافر گناه خود را مانند مگسی می‌بیند که از جلوی بینی‌اش رد شود.[۳]

یکی از عوامل ارتکاب گناه کوچک شمردن آن است و اما کسی که حقیقت گناه و اثرات بسیار مخرب آن را به‌خوبی می‌شناسد از ارتکاب آن دوری می‌کند.

---

۱. همان، ح ۲۱۲.

۲. بِحارالأنوار، ج ۸۱، ص ۲۵۸. ادامه روایت «قیل علی الماء؛ به قولی بر روی آب است» ثبت‌شده است.

۳. مکارم الاخلاق، ۴۶۰.

www.takbook.com

ادب و باران

امام علی علیه‌السلام: إِنَ بِذَوِي الْعُقُولِ مِنَ الْحَاجَةِ إِلَى الْأَدَبِ كَمَا يَظْمَأُ الزَّرْعُ إِلَى الْمَطَر؛

همانا نیاز صاحبان خرد به ادب همچون نیاز زراعت به باران است.[۱]

گاهی زمین کشاورزی از هر لحاظ آماده است امام چون‌که آب کافی ندارد. محصولاتش به بار نمی‌نشیند و ثمره‌ای نمی‌دهد. همین‌گونه شایسته است فرد دانا، خودش را به آداب و اخلاق زینت دهد. چراکه ادب به انسان شخصیت و عزت می‌دهد؛ و بر اساس ادب است که انسان مورد قضاوت قرار می‌گیرد.

باادب باش که سرمایه‌ی خوبان ادب است — فرق ما بین بنی آدم و حیوان ادب است

راحت روح زنان زینت مردان ادب است — آیه آیه همه جا سوره قرآن ادب است[۲]

هم‌نشین بد و باد

امام علی علیه‌السلام: صُحْبَةُ الْأَشْرَارِ تَكْسِبُ الشَّرَّ كَالرِّيحِ إِذَا مَرَّتْ بِالنَّتْنِ حَمَلَتْ نَتْناً؛

مصاحبت با بدان بدی بار آورد، همچون باد که اگر بر چیز گندیده بورزد بوی بد با خود آورد.[۳]

دوست و همراهی با انسان‌های ناشایست، خواه‌وناخواه لباس بدی و شرارت به تن ما می‌پوشاند.

هم‌نشین بد و مسافر دریا

امام علی علیه‌السلام: مُصَاحِبُ الْأَشْرَارِ كَرَاكِبِ الْبَحْرِ إِنْ سَلِمَ مِنَ الْغَرَقِ لَمْ يَسْلَمْ مِنَ الْفَرَق؛

---

۱. تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح ۴۰۶.

۲. نسیم شمال.

۳. تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح ۹۸۲۶.

www.takbook.com

هم‌نشین بدان همچون مسافر دریاست که اگر از غرق شدن جان به‌سلامت برد از ترس در امان نباشد.[۱]

هم‌نشینی با انسان‌ها شرور این آسیب را داد که هرلحظه ممکن است طومار زندگی آدمی را بپیچند و عاقبت به شری را نصیب شخص کنند؛ و اگر از هلاکت نجات یابد. بازهم در امان نیست چراکه آدمی را با دوستانش می‌شناسند ازاین‌رو دائم در معرض تهمت قرار دارد.

علم و داروی بی‌اثر

امام علی علیه‌السلام: عِلْمٌ لَا يَنْفَعُ كَدَوَاءٍ لَا يَنْجَع؛

علمی که نفعی نبخشد؛ مانند دارویی است که اثربخش نباشد.[۲]

علم بهتر است یا ثروت؟

در این رابطه امام علی علیه‌السلام چنین می‌فرماید:

علم انسان را حفظ می‌کند و انسان مال را.

با ا نفاق از مال کم می‌شود ولی بر علم افزوده می‌گردد.

کسی که با مال و ثروت بزرگی یافته، بزرگی‌اش با زوال مال از بین می‌رود ولی کسی که از رهگذر علم بزرگی یافته، بزرگی‌اش هرگز از بین نخواهد رفت. انسان به‌وسیله علم، کسب طاعت می‌کند که پس از مرگ ستایش مردم به دنبال دارد.

علم حاکم است و مال محکوم.

علما باقی هستند و مال‌اندوزان فانی.

---

۱. همان، ح ۹۸۳۴.

۲. تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ح ۱۳۴.

www.takbook.com

فراوانی مال موجب فساد دین و قساوت قلب‌هاست و حال‌آنکه زیاد داشتن علم و عمل، به صلاح دین و وسیله‌ای است برای رسیدن به بهشت.

علم صاحب خود را محافظت می‌کند ولی شخص ثروتمند باید از مال خود حفاظت کند.

علم میراث پیامبران است ولی مال میراث قارون و فرعون و شداد است.

صاحب علم به بزرگواری و عظمت یاد می‌شود ولی صاحب‌مال با بخیل، پَست معروف می‌شود.

علم ترس و بیم سرقت نیست ولی در مال ترس و بیم سرقت هست.

علم باگذشت زمان همواره تازه است و طراوت دارد ولی مال باگذشت زمان کهنه و فرسوده می‌شود.

علم از صاحبش جدا نمی‌شود و با او داخل قبر می‌شود ولی مال برای دیگران می ماند و او را تنها می‌گذارد.

علم قلب را نورانی می‌کند ولی مال قساوت قلب می‌آورد.

کسی که علم و عمل می‌اندوزد همواره تواضع او رو به افزایش است. کسی که مال می‌اندوزد همواره تکبر او رو به افزایش است.

کسی که علم می‌آموزد دوستان او رو به افزایش‌اند. کسی که مال می‌اندوزد دشمنان او رو به افزایش‌اند.[1]

---

۱. به نقل از پندها در مقایسه‌های معنوی تشابه‌ها و تفاوت‌ها، محمود اکبری، ص ۱۷۴. انتشارات پیام مهدی. ۱۳۸۶.

www.takbook.com

زنده در میان مردگان

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: الْعَالِمُ بَيْنَ الْجُهَّالِ كَالْحَيِّ بَيْنَ الْأَمْوَاتِ ؛

دانشمند در میان مردم چون زنده در میان مردگان است.[۱]

بُوَد معلومِ هر آزاده و بنده که نادان مرده و داناست زنده[۲]

حیات حقیقی انسان به دانش است؛ و افرادی که به دنبال تحصیل علم و دانش نیستند در حقیقت مرده به‌حساب می‌آیند؛ و مرده نیز هیچ خاصیتی بر او مترتب نیست.

قلب نوجوان و زمین خالی

امام علی علیه‌السلام: إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ ؛

دل نوجوان همانند زمین خالی است که هر چه در آن افکنده شود آن را می‌پذیرد.[۳]

نوجوانان برای دریافت مطالب و هدایت آماده‌ترند مانند زمین خالی و حاصلخیزی که آماده پذیرش هرگونه بذر و نهال است.

دنیا و آب‌شور دریا

امام کاظم علیه‌السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ مَاءِ الْبَحْرِ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ ازْدَادَ عَطَشاً حَتَّى يَقْتُلَه؛

مثل دنیا همچون آب دریاست، هر چه تشنه‌ای از آن بیشتر بنوشد تشنه‌تر می‌شود تا جایی که او را به هلاکت می‌رساند.[٤]

---

۱. إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۶۵.

۲. جامی.

۳. تُحَف العُقُول، ص ۷۰. در ادامه روایت چنین آمده «فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُكَ وَ يَشْتَغِلَ لُبُّك».

٤. تُحَف العُقُول، ص ۳۹۶.

www.takbook.com

ثروت و مال و مقام دنیا تمامی ندارد. فرد حریص هر آنچه داشته باشد بازهم در حال دویدن است. تا شاید در آینده در آسایش به سر ببرد غافل از اینکه این دوندگی خط پایان ندارد و آینده نیز بر هیچ‌کس روشن نیست و چنین شخصی اگر اهل قناعت نباشد به‌زودی خودش را غرق و به هلاکت می‌رساند.

هم‌نشین و وصله

امام علی علیه‌السلام: الصَّاحِبُ كَالرُّقْعَةِ فَاتَّخِذْهُ مُشَاكِلا؛

هم‌نشین مانند وصله است پس همانند آن را انتخاب کن.[1]

برای وصله لباس باید از پارچه‌ای استفاده کرد که با جنس و رنگ لباس تناسب داشته باشد وگرنه آن وصله به چشم می‌آید؛ و موجب ناهماهنگی است باید در انتخاب هم‌نشین مانند همسر و دوست نیز خصوصیات اخلاقی و رفتاری او را در نظر گرفت و کسی را انتخاب کرد که با انسان سنخیت داشته باشد وگرنه شاهد عدم تفاهم و ناهماهنگی در روابط خواهیم بود.

مانند آفتاب و ماه

أَوْحَى اللَّهُ إِلَى عِيسَى علیه‌السلام: أَنْ كُنْ لِلنَّاسِ فِي الْحِلْمِ كَالْأَرْضِ تَحْتَهُمْ وَ فِي السَّخَاءِ كَالْمَاءِ الْجَارِي وَ فِي الرَّحْمَةِ كَالشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ فَإِنَّهُمَا يَطْلَعَانِ عَلَى الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ؛

خداوند به حضرت عیسی علیه‌السلام وحی فرمود: در بردباری نسبت به مردم، مانند زمین زیر پای آن‌ها باش و در سخاوت مانند آب روان و در مهربانی مانند آفتاب و ماه باش زیرا این دو بر نیکوکار و بدکار یکسان می‌تابند.[2]

---

۱. همان، ح ۹۷۱۳.

۲. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۸۰.

www.takbook.com

در برخورد خود با مردم و صبوری در مقابل بدرفتاری‌های مردم مانند افتاده و متواضع و صبور باشیم که همه بر آن پا می‌کوبند ولی همه را تحمل می‌کند؛ و در سخاوت مانند آب جاری باشیم که به هر جا بگذرد بدون هیچ چشم‌داشتی طراوت وزندگی ارزانی می‌کند؛ و در مهربانی مانند خورشید و ماه باش که مهربانی و لطف خود را از هیچ‌کس دریغ نمی‌کنند و به نیکوکار و تبهکار می‌تابند.

سخن و شمشیر

امام علی علیه‌السلام: رُبَ كَلَامٍ كَالْحُسَامِ؛

بسا سخنی که همانند شمشیر (بُرنده) است.[1]

هست تیغِ زبان زِ تیغِ بتَر　　کاین خورد بر تن، آن خورَد به جگر[2]

آدمی زاد همواره شمشیری دو لبه به همراه خود دارد. می تواند با سخن و گفتارش آتشی را خاموش کند؛ قهری را به آشتی کشاند؛ جدایی را به وصل برساند؛ غم را به شادی کشاند و می تواند برعکس باشد.

انسان و ظرف سفالی

منسوب به امام علی علیه‌السلام: كَما تُعرَفُ أَواني الفَخَّارِ بِامتِحانِها بِأَصواتِها فَيُعلَمُ الصَّحِيحُ مِنها مِنَ المكسُورِ كذلكَ يُمتَحَنُ الإِنسانُ بِمَنطقِهِ فَيُعرَفُ ما عِندَهُ؛

---

۱. تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ح ۴۰۳۹.

۲. مکتبی.

www.takbook.com

همان‌طور که ظرف‌های سفالین را با صداهایشان می‌آزمایند و سالم را از شکسته تشخیص می‌دهند انسان نیز با سخنش آزموده می‌شود و آنچه نزد اوست معلوم می‌گردد.[۱]

معیار عاقل یا نادان بودن انسان، سخنان او است. نه به پُست و مقام و ثروت و ظاهر و خاندان او.

آن‌کس که بدم گفت، بدی سیرت اوست — و آن‌کس که مرا گفت نکو خود نیکوست

حال متکلم از کلامش پیداست — از کوزه همان برون تراود که در اوست[۲]

دارو و کشنده

امام علی علیه‌السلام: الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِل؛

سخن چون داروست، اندکش سود می‌بخشد و بسیارش کشنده است.[۳]

دارو را به‌اندازه نیاز باید مصرف کرد؛ سخن هم باید به‌اندازه نیاز باشد.

دارو را باید در وقت مناسب مصرف کرد؛ سخن را نیز باید در موقع و زمان مناسب مطرح نمود.

بعضی داروها تلخ و بعضی شیرین است؛ سخن نیز گاهی تلخ و گاهی شیرین است.

همان‌گونه که داروی تلخ را در لفاف یا لعاب شیرین قرارمی د هند (مانند کپسول)؛ سخن به‌ظاهر تلخ را (مانند سخن حق) باید در لفاف مطرح نمود و تا جان شخص پذیرای آن باشد.[٤]

---

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ح ۳۶۳.

۲. شیخ بهائی.

۳. همان، ح ۴۰۸۱.

٤. پندها در مقایسه معنوی تشابه‌ها و تفاوت‌ها، محمود اکبری، ص ۲۲۰.

www.takbook.com

سخن و هیزم در شب

امام علی علیه‌السلام: لَا تَكُنْ فِيمَا تُورِدُ كَحَاطِبِ لَيْلٍ وَ غُثَاءِ سَيْلٍ؛

در ایراد سخن چون هیزم چین شب و کف و خاشاک روی سیل مباش.[۱]

جمع کنند هیزم در شب در اثر عدم دید کافی ممکن است هر چیز خوب و بدی را جمع نماید و نیز سیل ممکن است هر چیز باارزش یا بی‌ارزش را با خود بیاورد و این حدیث توصیه می‌فرماید که سخنگو باید مراقب باشد و فقط کلام صحیح و مفید بر زبان جاری کند و مانند این دو خوب و بد را در هم نگیرد.

عبادت و الاغ آسیاب

امام علی علیه‌السلام: الْمُتَعَبِّدُ عَلَى غَيْرِ فِقْهٍ كَحِمَارِ الطَّاحُونَةِ يَدُورُ وَ لَا يَبْرَحُ؛

عبادت‌کننده بدون دانش چون الاغ آسیاب است که به دور خود می‌گردد و خلاصی و رهایی ندارد.[۲]

عبادتی انسان را به کمال الهی نزدیک‌تر می‌کند که با بصیرت و آگاهی به احکام و ضوابط آن باشد.

مؤمن و آب سرد

امام صادق علیه‌السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَسْكُنُ إِلَى الْمُؤْمِنِ كَمَا يَسْكُنُ الظَّمْآنُ إِلَى الْمَاءِ الْبَارِدِ؛

مؤمن در نزد مؤمن آرامش می‌یابد، همچنان که انسان تشنه با آب سرد آرام می‌شود.[۳]

---

۱. همان، ح ۱۰۹۶۹.

۲. الاختصاص، ۲۴۵.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۲۴۷.

www.takbook.com

مؤمن به دلیل ایمان واقعی که به خداوند دارد از یک طمأنینه و آرامش برخوردار است و افرادی که با او در ارتباط هستند. آن آرامش قلبی او در دیگران تأثیر می‌گذارد با سخنان صحیح و عمل درست و روحیه امیدوارکننده‌ای و حتی نورانیت و صفای باطنی که دارد آرامش را در قلب دیگران وارد می‌کند مثل انسان تشنه که وقتی از آب سرد می‌نوشد دلش آرام می‌گیرد. نیز صرف وجود مؤمن باعث برکت و آرامش است.

مؤمن و ساختمان

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهَا بَعْضاً؛

مؤمن برای مؤمن مانند ساختمان است که قسمتی از آن دیگر را قوت می‌بخشد و نگه می‌دارد.[۱]

مؤمن باید به‌گونه‌ای باشد که برادر مؤمنش با بودن او امنیت و آرامش بیشتری داشته باشد. همانند ساختمان که اجزای یکدیگر را نگه می‌دارند.

مؤمن و آیینه

امام علی علیه‌السلام: الْمُؤْمِنُ مِرْآةُ الْمُؤْمِنِ؛

فرد مؤمن آیینه مؤمن است[۲]

چون‌که مؤمن آینه‌ی مؤمن بود　　روی او ز آلودگی ایمن بود[۳]

از این حدیث و گوهربار و زیبا ۲۲ نکته ظریف می‌شود آموخت:

---

۱. جامع الاخبار (شَعیری)، ص ۸۵.

۲. همان، ص ۱۷۳.

۳. مولوی.

www.takbook.com

آینه عیب را می‌گوید. موبه‌مو می‌گوید. با وضوح تمام می‌گوید نه با کنایه و ابهام. بی‌صدا می‌گوید. عیب را بی‌غرض می‌بیند و می‌گوید. خوب و بد را باهم می‌گوید محسوسات را می‌گوید (آنچه را دیده می‌گوید)

عیب‌نمایی آینه از روی خیرخواهی است نه به هدف تنقیص و ضربه زدن. در گفتن خجالت نمی‌کشد. عیب را که دید در حافظه نگه نداشته فراموش می‌کند تا مگر دوباره ببیند. به همه یکسان می‌گوید. هر بیشتر نزدیک شوی بهتر می‌گوید حال را می‌گوید نه گذشته یا آینده. آشکار و واضح می‌بیند (برای دیدن من کنجکاوی نمی‌کند)

شرط دیدنش صافی صداقت است. همه‌وقت می‌گوید. همه را می‌بیند دوست و دشمن. یقین ترین چیزها را می‌گوید از نشان دادن خسته نمی‌شود. هیچ‌کس از آیینه آزرده نمی‌شود. کمک به اصلاح می‌کند. اگر شکسته شد بازنشان می‌دهد. (به نقل از مرحوم حسن عرفان)

www.takbook.com

www.takbook.com

مَثَل‌هایی از پارسیان

www.takbook.com

www.takbook.com

مثل پنجه آفتاب

کنایه از آدم بسیار زیبا و دلربا.

مثل آبی که روی آتش بریزند.

در موردی که بسیار سریع اثر کند مانند خوردن دارو برای بیمار و یا پاسخ ناامیدکننده‌ای در پاسخ به سؤالی کسی.

مثل اجل مُعلَّق

به ناگاه وارد شدن یا رسیدن.

مثل‌اینکه پی آتش آمده

بسیار عجله و شتاب دارد، هنوز نیامده می‌خواهد برگردد.

www.takbook.com

مثل آب‌وآتش

به هم دانا و نادان کی بود خوش　　کجا دمساز باشد آب‌وآت

(ناصرخسرو)

مثل جن و بسم‌الله

دو چیز یا دو کس که هرگز نزدیک هم نیایند و از یکدیگر فراری باشند.

مثل سیبی که از وسط نصف شده

دو چیز یا دو شخص که دقیقاً و کاملاً مثل هم باشند، شباهت فراوان دو چیز یا دو نفر.

مثل شیر مادر، پاک و حلال.

وقتی بخواهیم به حلال و پاک بودن مالی یا غذایی اشاره‌کنیم از این مثل استفاده می‌کنیم.

مثل قالی کرمان است؛ هر چه پا بخورد، بهتر می‌شود.

هنگامی‌که بخواهیم از نشاط و شادابی کسی تعریف کنیم که در این فشارهای زندگی، هنوز خم به ابرو نیاورده و پژمرده و پیر نشده و حتی هرروز نیز جوان‌تر و شاداب‌تر می‌شود از این مثل استفاده می‌کنیم. همانند قالی کرمان که هر چه رویش راه بروند محکم‌تر، بادوام‌تر و زیباتر می‌شود.

www.takbook.com

مثل کبک سرش را زیر برف کرده!

اشاره به آدم‌هایی است که عیب و نقص خود را نادیده می‌گیرند و گمان می‌کنند که دیگران هم عیب‌های آنان را نمی‌بینند و نیز هر وقت کسی چیزی به نفعش نباشد خودش را به کری و لآلی و کوری می‌زند که گویا من نه دیدم نه شنیدم و نه گفتم.

مثل کشتی بی لنگر می‌ماند!

اشاره به کسی که ثابت‌قدم نیست و آرامش و سکون ندارد و هرلحظه به دنبال کاری یا کسی می‌رود. به تعبیری جز اصحاب باد است. باد به هر طرف وزید او هم همراه باد می‌شود.

مثل ماست مختارالسلطنه است، نگاه کنی ماست است؛ بخری دوغ است؛ بخوری آب است.

در نگاه اول زیبا و مفید و مطلوب است ولی بعد معلوم می‌شود که دروغ و بی ا ساس بوده است.

مثل مار خوش‌خط‌وخال

کسی که ظاهری خوب و فریبنده اما باطنی زشت و پلید و بدذات دارد.

مثل شیر و شکر

آن‌چنان بامحبت و عشق به هم‌آمیخته‌اند که محو یکدیگر شدند.

مثل مرغ سرکنده

کلافه، بی‌آرام و قرار، پریشان و مظطرب.

www.takbook.com

مثل بازار شام

اشاره به بی‌نظمی و درهم بودن چیزی یا مکانی است.

مثل بازار مسگرها

وقتی جایی شلوغ و پر سروصدا باشد. به‌طوری‌که صدای نزدیک‌ترین کس را نشنوی از این مثل استفاده می‌کنند.

برای ساختن ظروف مسی نیاز به چکش‌کاری ظریف و زیاد است تا ظرف شکل و نقش و نگار گیرد.

مثل بند تُنبان کوتاه است تا وِل کنی در می‌رود.

برخی آدم‌ها نمی‌توانند یکجا باشند و دائم در حال حرکت و این‌طرف و آن‌طرف هستند؛ و معمولاً دنبال کارهای شخصی خود می‌روند و از زیر بار مسئولیت گروهی و جمعی فرار می‌کنند.

مثل پیاز هفت پوست دارد

آدم درون‌گرا و توداری است. از خودش کم‌تر حرف میزند و بسیار رازدان و مرموز است.

مثل سرکه هفت‌ساله

بی‌نهایت‌ترش و بداخلاق و اخمو

مثل سیب‌زمینی

بی‌رگ و بی‌غیرت.

www.takbook.com

مثل ریگ تَه جوی است.

جوی آب، هم سنگ دارد و هم آب. آب می‌گذرد و می‌رود؛ اما سنگ‌ریزه‌های ته آب باقی می‌ماند. اگر شخصی مدت‌ها درجایی یا در پست و موقعیتی باقی بماند؛ درحالی‌که اطرافیان او مدام تغییر کنند و بیایند و بروند از این مثل در مورد او استفاده می‌کنند.[۱]

مثل سوزن در انباره کاه!

هنگامی‌که یک شی ء کوچک درجایی وسیع و شلوغ گم شود از این مثل استفاده می‌کنند و نیز به کم‌ارزش بودن یا کوچک بودن موضوعی در کنار موضوعات مهم‌تر به کار می‌رود.

در مَثَل مناقشه نیست

وقتی بخواهیم مطلبی را برای کسی روشن و آشکار کنیم از مثال استفاده می‌کنیم؛ و آن‌وقت مثل را می‌گوییم تا اگر مثلی خوبی نزده باشیم شنونده آن را به خود نگیرد و برداشت به خود نکند.

شکر که این نامه به پایان رسید *** پیشتر از عمر به پایان رسید

(نظامی)

---

۱. فوت کوزه‌گری، ج ۲، ص ۹۱۲.

www.takbook.com

کتاب‌نامه

فوت کوزه‌گری، رحماندوست، مصطفی، انتشارت مدرسه، تهران، ۱۳۸۹.

احادیث تصویر و نمایشی، گروهی از نویسندگان، انتشارت قدس، قم،۱۳۹۹.

مثل‌های آسمانی، اسعدی، علی، دارالحدیث، قم،۱۳۸۳.

امثال‌وحکم دهخدا، علی‌اکبر، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳.

پندها در تشابه‌ها و تفاوت‌ها، اکبری، محمود، انتشارت پیام مهدی، قم، ۱۳۸۶.

تمثیلات حجت‌الاسلام قرائتی، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران،۱۳۸۳.

www.takbook.com